

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات  
چهارمین کنگره بین المللی  
علوم انسانی اسلامی**

**کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی**

## اسامی هیئت داوران

### کمیسیون «فقه و حقوق اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر محمود حکمت نیا

#### اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- احمد احسانی فر: دکترای حقوق از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- سجاد ایزدهی: دانشیار گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- مصطفی بختیاروند: دانشیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم
- غلامرضا پیوندی: استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد جواد جاوید: استاد گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران
- محمود حکمت نیا: استاد گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- عبدالله رجبی: استادیار حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس فارابی
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- محمد شجاعیان: استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- اکبر طابکی طرفی: استادیار مرکز مطالعات عالی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران
- سید محمد مهدی غمامی: عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- مصطفی کاظمی نجف‌آبادی: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سید محمد حسین کاظمینی: دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- علی محمدی: استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد مهدی مقدادی: عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه مفید
- مصطفی نصرآبادی: پژوهشگر فقه و حقوق
- فرج‌الله هدایت‌نیا: دانشیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد یزدیان محمدی: کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)



سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... [و دیگران]. :	
ویراستار مرتضی طباطبایی	
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج ۱۰ :
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ :
	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ :
	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه .
مندرجات	: ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) - کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۳۳۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۰۳۹۸

## مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد نهم | کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۸-۷۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشوردوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۰۶۶۴۰۹۰۵۶، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: [www.sccsr.ac.ir](http://www.sccsr.ac.ir)

رایانامه: [info@sccsr.ac.ir](mailto:info@sccsr.ac.ir)

## فهرست مطالب

### کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی

- |     |  |
|-----|--|
| ۹   | ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط اضطرار جنگی<br>احمد احسانی فر  |
| ۳۵  | نقض حیثیت معنوی در قلمرو شهادت شهود و جرح شاهد<br>حسین جاور، حسین هوشمند فیروزآبادی  |
| ۵۵  | گفتار در روش‌شناسی مطالعات حقوقی در حقوق ایران<br>عبدالله رجبی   |
| ۸۱  | بررسی مقایسه‌ای مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر<br>محمد طادی، دکتر رضا جلالی   |
| ۱۰۳ | طراحی نظام جامع حمایت خانواده<br>فرج‌الله هدایت‌نیا  |
| ۱۲۷ | بررسی نتایج کم‌رنگ شدن نقش مادری در قوانین داخلی و بین‌المللی با عنایت به حقوق مادران در آیات قرآن<br>محمود شفیعی  |
| ۱۴۹ | محدودیت زمینه استفاده در قراردادهای مجوز بهره‌برداری حق اختراع در حقوق اتحادیه اروپایی، امریکایی، ایران و فقه امامی<br>سیدمحمد هادی قبولی درافشان، مصطفی بختیاروند، حجت کرمی |

- ۱۶۵ الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی جمهوری اسلامی ایران  
سیدمحمد مهدی غمامی
- ۱۸۵ کاربرد روش معناشناسی در علوم انسانی قرآن‌بنیان؛ مطالعه موردی: مفهوم «قسط» در قرآن کریم  
محمدحسین اخوان طبسی، روح‌الله داوری
- ۲۱۳ جایگاه حقوق طبیعی در اندیشه حقوق شیعی  
ایمان سهرابی
- ۲۳۷ الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)  
اکبر طلاپکی طرفی، محمدصالح عطار
- ۲۶۵ تطبیق آرای جان فینیس و مرتضی مطهری در زمینه حقوق طبیعی  
ایمان سهرابی
- ۲۸۹ ماهیت سیاست‌های شرعی و اصول استنباط آنها از ادله شرعی  
ابوالحسن حسینی
- ۳۰۷ مسئولیت حقوقی دولت و رویکرد دین در پزشکی بازساختی  
محمدجواد جاوید
- ۳۲۳ اصول حقوق بشردوستانه در اسلام با نگاهی به حقوق بین‌الملل  
عبدالحکیم سلیمی
- ۳۴۷ استقلال ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق ایران و فقه امامیه (عبور از تبعیت به سوی استقلال)  
سیدمحمد هادی قبولی درافشان، مصطفی بختیاروند
- ۳۶۳ حق بافروش کالا در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) و امکان‌سنجی آن در فقه امامیه  
علی‌اکبر جعفری ندوشن
- ۳۸۷ ادله اثبات نسب و اثبات آن به وسیله آزمایش ژنتیک  
حوا عرب‌انصاری



## بررسی نتایج کم‌رنگ شدن نقش مادری در قوانین داخلی و بین‌المللی با عنایت به حقوق مادران در آیات قرآن

محمود شفیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی تهران، ایران، تهران

Mahmoud.sh0913@gmail.com

### چکیده

«مادری» عالی‌ترین نمود خلقت زنانه است که اگر در قالب معیارهای صحیح خود صورت گیرد، اوج کمال زن به شمار می‌آید. با این حال در دنیای امروز شاهد کم شدن اهمیت نقش مادری هستیم؛ به گونه‌ای که این مسئله مسبب ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده و همچنین موجب تأثیرات نامطلوب در روند رشد جوامع و پیشرفت در ابعاد مختلف شده است. از سویی بحث «حقوق بشر بین‌الملل» از نیمه قرن بیستم رشد دوچندانی یافته و اسناد بین‌المللی بسیاری برایش وضع شده که در طول تاریخ هر کدام به تکامل رسیده و بحث‌های عمیق‌تر، گسترده‌تر و البته چالشی‌تر گشته است؛ اما هنوز مشکلات آدمی به طور کامل و جامع حل نگردیده است. لذا نگارنده در این مقاله به دنبال اثبات این موضوع است که اگر در قوانین بین‌المللی موجود در باره مقام و نقش مادری بازنگری شود و خلأهای قانونی موجود با عنایت به فرامین قرآنی در باره مقام مادر با مشورت و همکاری متخصصان در علوم مختلف به وسیله تصویب مواد جدید پُر گردد، قطعاً بخش اعظم مشکلات در جوامع و همچنین مباحث حقوقی در کشورمان حل و فصل خواهد شد. این در حالی است که در حال حاضر فمینیست‌های افراطی در داخل

و خارج از ایران، تلاش روزافزونی را برای حذف مقام مادری و فراهم آوردن آزادی کامل برای زن در دستور کار خود دارند و بدون دقت در تفاوت‌های جنسیتی، خواهان برابری زن و مرد از هر نظر هستند.

**کلیدواژگان:** نقش مادری، خانواده، اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، فمینیسم.

### مقدمه

از هنگام تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تا کنون، بالغ بر هفتاد سند حقوق بشری در زمینه‌های مختلف بر آن افزوده شده است و کنوانسیون‌های منطقه‌ای (امریکایی، اروپایی، آفریقایی و...) به وجود آمده‌اند؛ اما هر چه مفهوم حقوق بشر جهانی‌تر شده و در فرهنگ‌ها و ملت‌ها و قوانین بیشتری رسوخ کرده است، در واقعیت همچنان داستان نقض حقوق بشر به گستردگی وجود دارد (باقی، ۱۳۹۳، ص ۹۸). در حالی که مشارکت زنان در تصویب این چنین اعلامیه‌ای انکارناپذیر بوده و هست، در لحظه بهره‌برداری از موفقیتی که به‌سختی کسب شده است، زنان به حاشیه رانده می‌شوند. علاوه بر این، مدت مدیدی زن چیزی نبود جز یک شیء و اغلب می‌بایست وظایفی را عهده‌دار می‌شد. به همین دلیل است که برخی معتقدند بدبختی‌های قدیم زن معلول فراموشی انسان بودن او بود؛ اما بدبختی‌های جدید زن معلول فراموشی موقعیت طبیعی و فطری او، اقتضانات غریزی‌اش، استعدادهای ویژه او و رسالت خاص اوست که این موجب ظلم مضاعف به زنان است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۹-۲۰). حال اگر نگاهی به اسناد بین‌المللی بیندازیم، بیشتر بودن قدمت حقوق بشر نسبت به حقوق زنان را به‌خوبی درک می‌کنیم. از تأثیرپذیری اعلامیه استقلال آمریکا از منشور ماگناکارتا (۱۲۱۵م) که بگذریم، اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه (۱۷۸۹) که پس از انقلاب کبیر فرانسه تصویب شد، نخستین سندی است که مفاهیم و واژه‌های حقوق بشری را تعیین کرد و زمینه‌ساز تدوین اسناد حقوق بشری کنونی شد؛ اما شکی نیست که زنان در آن هنگام نه تنها سندی جداگانه در حمایت از حقوق خود نداشتند، بلکه اساساً به عنوان جنس دوم شناخته می‌شدند.

با این حال اگر زنان حقوق نقش‌های مختلف زندگی‌شان را بدانند، قطعاً بهتر می‌توانند از خود دفاع کنند و این دفاع نیازمند تعریف دقیق مفاهیم مرتبط با دغدغه‌های آنهاست که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

ازدواج و تشکیل خانواده: ازدواج پیوندی است میان اعضای دو گروه برون‌همسر که از طریق آن، دو نفر از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک (که از فرهنگی تا فرهنگ دیگر متفاوت است)، به یکدیگر وابسته می‌شوند. لوی اشتراوس ازدواج را پدیده اصلی در تشکیل ساخت‌های خویشاوندی می‌داند. وصلت در واقع ساخت اجتماعی مشروعیت‌یافته به وسیله رسوم را اصلاح می‌کند. ازدواج فرایند خویشاوندی نسبی، سکناگزینی، نام‌گذاری، ارث‌بری و رفتارها را مشخص می‌کند و راه را بر تولید مثل مشروع در درون گروه خانواده می‌گشاید. معمولاً یک منسک دینی یا مدنی در ازدواج، تغییر جایگاه اجتماعی همسران جدید و پیدایش پیوندهای حقوقی، اجتماعی و اقتصادی میان گروه خویشاوندی نسبی شوهر و زن را رسمیت می‌بخشد<sup>۱</sup> (ریویر، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰). گفتنی است که یکی از موضوعاتی که از آغاز فعالیت جنبش فمینیستی تاکنون همواره مورد توجه، مطالعه و بررسی فمینیست‌ها بوده، بحث خانواده است. نقش تعیین‌کننده خانواده در زندگی عملی و روزانه زنان سبب شده است نظریه‌پردازان فمینیستی نتوانند بدون اظهار نظر در باب مسائل مطرح در این موضوع، از کنار آن بگذرند؛ به همین دلیل بحث خانواده در نظریات فمینیستی از مباحث اختلافی و به‌شدت مورد مناقشه به شمار می‌رود. همچنین از ادله مهم فمینیست‌ها درباره اهمیت خانواده، محل زاد و ولد و تولید مثل است. مباحث مربوط به تولید مثل و در قدم بعد تربیت فرزندان و تزریق خصوصیات جنسیتی به آنان، برای نظریه‌پردازان فمینیست حائز اهمیت است (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵)؛ اما این نظر همه مدافعان حقوق زنان نمی‌باشد، و برخی از ایشان نظری دقیقاً مخالف این موضوع دارند که در ادامه بدان اشاره می‌شود؛

مادری: از همان زمان که سلول تخم در رحم مادر به وجود می‌آید، دوره مادری آغاز می‌شود (امینی، ۱۳۸۶، ص ۳۳). مادری نوعی توجه به وجوه انسانی با نظر به الزامات بیولوژیک زنانگی است که عبارت است از انجام دادن سلسله‌ای از امور برای فرزندان؛ لذا مادری با فرزنددار شدن معنا می‌یابد و معمولاً این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، صحبت، بازی و تربیت از سلسله اموری است که مادران در ارتباط با فرزندانشان انجام می‌دهند (الهی دوست، ۱۳۹۲، ص ۷). به اعتقاد

۱. در ادامه به ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می‌شود.

نگارنده، مادری سرنوشت طبیعی زنان و کارکردی غریزی است. بر اساس تلقی مادری به عنوان امری ذاتی و طبیعی برای زن، هدف اولیه جنسیت زنانه، مادری است و لذات و فعالیت‌های جنسی زن نیز در همین راستاست (یزدی، بی‌تا، ص ۱۵۵).

در دنیای امروز که برای اغلب کارها و نقش‌ها جانشین و جای‌گزین مدرن و جدیدی یافت و تولید شده است، نقش مادران نیز خارج از این موضوع نیست و بسیاری به دنبال جای‌گزینی رفتارهای پرستارگونه و مراقبتی، مشورت و راهنمایی به فرزندان بوده‌اند؛ اما هنوز در دو مورد از نقش‌های مادری به نتیجه‌ای نرسیده‌اند: یکی بارداری و زایمان و دیگری عشق و رابطه خاص مادر و فرزندی. جین بتکه‌الشتین به عنوان یک فمینیست در کتاب مرد عمومی، زن خصوصی (۱۹۸۱) به دفاع از زندگی خصوصی پرداخته، مادر بودن را فعالیتی پیچیده، غنی، چندرویه، پرزحمت و شادی‌آفرین می‌داند (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۹۴). همچنین به نظر برخی فمینیست‌های اخلاق‌گرا رسیدن به مقام مادری نیازمند انجام برخی رفتارهای اخلاقی است:

اهداف تفکر مادرانه عبارت‌اند از: مواظبت، رشد و نمو و پذیرش کودک. مواظبت از حیات بچه همان «فعل مادرانه ذاتی» است. نوزادان کاملاً آسیب‌پذیرند و بدون مراقبت از نظر تغذیه و پوشاک زنده نمی‌مانند. برای اینکه مادران در سخت‌ترین شرایط بتوانند از بچه‌هایشان مراقبت کنند، باید برخی فضایل اخلاقی چون فروتنی و خوش‌رویی را در خود پرورش دهند (یزدی، بی‌تا، ص ۱۶۵).<sup>۱</sup>

نخستین کنوانسیون حقوق زن در ۱۹ ژوئیه ۱۸۴۸ در منطقه سنکافالز روی رودخانه سنکا، واقع در ایالت نیویورک برگزار شد و محتوای آن را طی اعلامیه «سنکافالز» برای مساوات حقوق زن و تفویض حق رأی منتشر کردند. آنها می‌خواستند بگویند: «مرد قادر نیست به‌تنهایی و بدون یاری و یاوری زن نسل بشر را رهنمون باشد» (بن‌سعدون، ۱۳۷۸، ص ۶۹)؛ اما قریب چهار سال بعد در تاریخ هشتم مارس ۱۸۷۵، زنان کارگر کارخانه‌های نساجی نیویورک دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که با برخورد شدید پلیس مواجه شد، مقدمه‌ای بود برای اعتراضات بعدی در تاریخ هشتم مارس ۱۹۰۷، که مجدداً زنان نساجی کار آمریکا به سبب کاهش ساعت کار روزانه‌شان اعتراض کردند و دوباره سرکوب شدند. هشتم مارس سال بعد زنان با مطالبه ممنوع شدن کار کودکان و

۱. گفتنی است که مادری کردن مردان نیز که برخی افراد غیرمطلع بدان اشاره می‌کنند، قابل تصور نیست؛ چراکه توانایی زایش در زنان، موجب مسئولانه‌تر بودن رفتارشان می‌گردد و این بدان سبب است که از ابتدا در پیدایش یک انسان جدید دخیل بوده‌اند.

کسب حق رأی زنان در صحنه اعتراضات ظاهر شدند و بالاخره توانستند در سال ۱۹۰۹، هشتم مارس را به عنوان نخستین «روز ملی زنان امریکا» معرفی کنند. در ادامه روند روبه‌رشد تصویب قوانین درباره حقوق زنان در قرن بیستم، جامعه ملل و سازمان ملل متحد به ایجاد مجموعه‌ای از میراث تاریخی مشتمل بر موافقتنامه‌ها، راهبردها، شاخص‌ها، معیارها و برنامه‌های عملی، و نیز برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی مبادرت کردند.<sup>۱</sup>

### ۱. مادری در حقوق داخلی و بین‌الملل

بنیان مادری، با دو وجه مادر شدن و ایفای نقش مادری، یعنی تولید نسل و تربیت بشر (رسالت‌هایی که خداوند زنان را لایق آن دانسته) همواره نیازمند شرایطی سالم از حیث فردی، خانوادگی و اجتماعی است؛ ولی با وضع قوانینی که شرحشان گذشت<sup>۲</sup> و کمترین توجه را به مقام مادری دارند، ایفای نقش مادری آن‌گونه که انتظار می‌رود، ممکن نخواهد شد.

۱. از جمله مصوبات جامعه ملل می‌توان به نخستین مقاله‌نامه در مورد «مقابله با سوءاستفاده جنسی از زنان و دختران و اجیر کردن آنها برای فحشا» اشاره کرد که در سال ۱۹۰۴ تصویب شد و دولت ایران در سال ۱۹۱۰ (۱۲۸۹) به آن ملحق شد. همچنین معاهده بین‌المللی دیگری با عنوان «قرارداد بین‌المللی درباره جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان» در سال ۱۹۱۰ تصویب گردید که دولت ایران در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰) به آن ملحق شد. در سال ۱۹۲۱ «قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان» به تصویب بین‌المللی رسید که دولت ایران در سال ۱۳۰۰ به آن ملحق گردید. در اکتبر ۱۹۳۳ قرارداد دیگری با عنوان «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش زنان بالغ» به تصویب رسید که ایران نیز در سال ۱۳۱۳ به آن ملحق شد. این روند با شروع جنگ جهانی دوم به پایان رسید و با سقوط آلمان و تأسیس سازمان ملل روند روبه‌رشد خود را مجدداً ادامه داد. در ژوئن ۱۹۴۵ منشور ملل متحد، نیز در کنفرانس ملل متحد به تصویب رسید و در اکتبر همان سال اجرایی شد. همچنین سازمان ملل متحد چندین کنفرانس جهانی، اعلامیه و مقاله‌نامه را به منظور ترویج و تقویت حقوق زنان اختصاص داده است: مقاله‌نامه مربوط به «تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم ارزش» که در اکتبر ۱۹۵۱ تصویب شد که دولت ایران در سال ۱۳۵۱ به آن پیوست؛ کنوانسیون «حقوق سیاسی زن» در سال ۱۹۵۲ به تصویب رسید. کنوانسیون «بهبود حمایت خارج از کشور» که در تاریخ ۱۹۵۶ به تصویب رسید؛ کنوانسیون «ملیت زنان ازدواج کرده» مصوب ۱۹۶۷؛ کنوانسیون «تابعیت زنان متأهل» که در سال ۱۹۵۷ به تصویب رسید؛ کنوانسیون «رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج، ثبت ازدواج» که در سال ۱۹۶۲ تصویب شد؛ اعلامیه «رفع تبعیض نسبت به زنان» مربوط به سال ۱۹۶۷؛ اعلامیه جهانی «رفع تبعیض از زن» که در آن سال ۱۹۵۷ سال «بین‌المللی زن» اعلام شد؛ کنوانسیون «رفع تبعیض همه‌جانبه نسبت به زنان» که در سال ۱۹۷۹ تصویب شد.

۲. این افزایش اسناد و مصادیق حقوق بشر، ممکن است این انتقاد را نیز برانگیزد که این تورم حقوق بشری ممکن است به تنزل ارزش حقوق بشر بر اثر جعل بسیاری از حقوق به این نام بینجامد.

## ۱-۱. مادری در حقوق بین‌الملل

متن اعلامیه حقوق بشر بر صلح و امنیت بین‌المللی تأکید دوچندان داشت. از همان سال تدوین متن اعلامیه حقوق بشر، تلاش‌هایی برای تدوین سندی جداگانه جهت حقوق اساسی بشر کلید خورد که سرانجام در دهم دسامبر ۱۹۴۸، پس از دو سال پرفراز و نشیب، متن اعلامیه جهانی حقوق بشر در سی ماده نهایی شد و بدون هیچ رأی مخالفی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این اعلامیه، حقوق و آزادی‌های مختلف فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برمی‌شمرد. نام انواع و اقسام حقوق و تکالیف مندرج در این اعلامیه را مردم در همه جای جهان شنیده‌اند و بسیاری از مواد موجود این قوانین در حکم قانون داخلی کشورها وضع شده است؛ با این همه هنوز شاهد نقض بخش بسیار بزرگی از مفاد این اعلامیه، از جمله آزادی و امنیت شخصی، حق دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه، آزادی اندیشه، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها و حق کار در اقصا نقاط جهان گاه به صورت گسترده و حتی سازمان‌یافته هستیم. از جمله این موارد می‌توان به حقوق ضایع شده زنان اشاره کرد. در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند؛ همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

نخستین ماده منشور به چندین اصل کلیدی درباره انسان‌ها اشاره دارد که از آن جمله می‌توان به آزادی تمام انسان‌ها، برابری حقوق، قدرت تعقل و عدم نیاز به سرپرست و قیام و البته رفتار دوستانه اشاره کرد؛ اما از این موضوع غفلت شده است که «به دنیا» آمدن، به وسیله نقش پررنگ و فراموش‌ناشدنی مادران است. این در حالی است که در ادامه اعلامیه نیز هر چه جست‌وجو می‌کنیم، سخنی از حقوق و تکالیف مادران بیان نمی‌شود؛ اما با این حال بلافاصله در ماده دوم اعلامیه، حرف از جنسیت و برابری و امکان بهره‌مندی از تمام حقوق این اعلامیه گفته می‌شود و پس از آن از رفع هر گونه تبعیض از تمام انسان‌ها در هر حکومت و هر جای این کره خاکی. همچنین در ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است:

۱. هر مرد و زن بالغی حق دارند بی‌هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت یا دین با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج، حقوقی برابر دارند؛ ۲. ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد صورت گیرد؛ ۳. خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

درباره مادر ماده‌ای بیان شده است که خلاصه آن می‌شود: «حق مراقبت»:

ماده ۲۵، بند ۲. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. تمام کودکان اعم از آنکه در پی ازدواج، یا بی‌ازدواج زاده شدن باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یک‌سان بهره‌مند گردند.

درباره دیگر حقوق احتمالی و راه‌های تحقق همان یک حق، شرح و توضیحی بیان نشده است. پس از گذشت قریب به سی سال از تصویب اعلامیه حقوق بشر، اعلامیه «جهانی رفع تبعیض از زن»، به تصویب اکثر کشورهای جهان می‌رسد؛ اما به نظر می‌رسد مقدمه اعلامیه جهانی رفع تبعیض تصویر دیگری را نشان می‌دهد:

ملاحظه می‌شود که علی‌رغم منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته و همچنین علی‌رغم پیشرفت‌های حاصله در زمینه تساوی حقوق معهدا هنوز تبعیضات قابل توجهی علیه زنان همچنان وجود دارد... و مانع بزرگی برای شکفته شدن کمال استعدادهای جهانی زنانی در زمینه خدمت به کشورهای خود و همچنین بشریت به شمار می‌رود.

با این حال در چنین اعلامیه‌ای نیز حرفی از نقش مادری به میان نیامده است. پس از آن «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب می‌رسد که خواهان ایجاد برابری میان زنان و مردان و پیکار با تبعیض‌هایی است که زنان ممکن است قربانی‌شان باشند؛ به‌ویژه شکل‌های خاصی از تبعیض مانند ازدواج اجباری، خشونت خانگی، دستیابی کمتر به امکانات آموزشی و نیز تبعیض در زمینه کار و شغل؛ اما نباید رفع «تبعیض» را با مساوات یکی دانست. اثبات مساوات، رفع تبعیض را نتیجه نمی‌دهد؛ چنان‌که از رفع تبعیض نمی‌توان به مساوات رسید (بسته‌نگار، ۱۳۸۵، ص ۳۶۵).

کمیسیون وضعیت زنان (نهاد تشکیل شده از نمایندگان دولت‌ها) نیز که در سال ۱۹۴۶ برای تقویت و تحکیم برابری جنسی تشکیل شده، از همان آغاز فعالیت خود، اهمیت این مسائل را به رسمیت شناخته بود. لذا هدف اساسی این راهبردها را، گنجاندن حقوق زنان در تمام فعالیت‌های

۱. ماده یکم کنوانسیون رفع [محو] اشکال تبعیض علیه زنان: «عبارت (تبعیض علیه زنان) در این کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثنا (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف‌نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد».

سازمان ملل و ایجاد ساختارهایی خاص برای شناخت نقض حقوقی که به زنان مربوط می‌شود دانست (لوین، ۱۳۷۷، ص ۴۰).

نکته درخور توجه، ذکر لفظ «مادری» در ماده یازدهم این کنوانسیون است: «به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض‌های علیه زنان بر پایه ازدواج یا مادری (بارداری) و تضمین حق مؤثر آنان جهت کار، دول عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد». جالب‌تر اینکه در این ماده «نقش مادری» و حالت «بارداری» مساوی انگاشته شده‌اند؛ یعنی یک زن وقتی ازدواج می‌کند، در حالت بارداری، مادر فرض می‌گردد و دیگر بحثی از حقوق همین مادر به میان نمی‌آید. البته فقط برای حفظ نظم (و نه رفع تبعیض) کار زنان باردار (که مادر محسوب شده است) باید تضمین شده باشد؛ یعنی اخراج نگردد و مرخصی داشته باشد. همچنین در «کنوانسیون حقوق کودک» مصوب نوامبر ۱۹۸۹ در بند سوم ماده نهم آمده است: «حکومت‌ها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم دور شده‌اند، فراهم کنند؛ مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد». در بند اول ماده هجدهم نیز بیان شده است: «حکومت‌ها تأکید و تضمین می‌کنند که پدر و مادر هر دو با هم مسئول تربیت و رشد کودک هستند».

در قانون اساسی کشور ایتالیا نیز بر حمایت از خانواده، اعضای آن و مادران تأکید شده و در ماده ۳۱ آمده است:

جمهوری از طریق اتخاذ اقدامات اقتصادی و غیره تشکیل خانواده و انجام وظایف مربوط به آن را تسهیل خواهد کرد و توجه ویژه‌ای به خانواده‌های پرجمعیت معطوف خواهد داشت. جمهوری از مادران، کودکان و جوانان حمایت و به انجمن‌های لازم برای نیل به هدف‌های فوق کمک می‌کند.

در ماده ۳۷ نیز پیرامون زنان و نقش مادران درباره تضمین کارشان چنین آمده است:

کارگر زن، دارای حقوق مساوی با کارگر مرد است و در مقابل کار مساوی دستمزدی برابر دستمزد کارگران مرد دریافت می‌کند. شرایط کار باید به نحوی باشد که به وی امکان ایفای نقش اساسی زن را در کانون خانواده بدهد و حمایت خاص و کافی از مادران و کودکان را تضمین نماید.

در ماده چهارم قانون اساسی آلمان مهم‌ترین حق طبیعی مادران، آموزش و پرورش کودکان دانسته و بیان شده است:

بند ۲. آموزش و پرورش کودکان حق طبیعی پدر و مادر و عمده‌ترین وظیفه آنهاست.



مجموعه دولت بر نحوه اجرای آن نظارت دارد؛

بند ۳. جدا کردن کودکان از خانواده علی‌رغم میل کسانی که واجد حق تربیت آنها هستند، به موجب قانون امکان‌پذیر است، آن هم مشروط به اینکه اولیا از عهده وظایف خود برنمایند و یا کودکان به دلالتی دیگر در خطر اهمال و بی‌توجهی واقع شوند؛

بند ۴. هر مادری حق دارد از حمایت و مراقبت جامعه بهره‌مند شود.

ماده ۴۱ قانون اساسی ترکیه نیز بیان می‌دارد: «خانواده اساس و بنیان جامعه ترک و مبتنی به برابری میان زوجین می‌باشد. دولت برای آرامش و رفاه خانواده به‌خصوص حمایت از مادران و کودکان و پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های آموزشی تدابیر لازمه را اتخاذ کرده و تشکیلاتی را ایجاد می‌کند». همچنین در ماده ۵۳ قانون اساسی چین چنین مقرر شده است: «زن همانند مرد در تمامی عرصه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی از حقوق کامل برخوردار است. زن و مرد در مقابل کار مشابه حقوق یک‌سان دریافت می‌دارند». قانون اساسی ۱۹۴۶ کشور فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «قانون در تمامی زمینه‌ها حقوق برابر با مرد را برای زن تضمین می‌کند». از طرف دیگر برای مثال در قانون اساسی کشور سوریه به‌عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای و اسلامی درباره خانواده و مادران آمده است:

۱. خانواده کانون اساسی جامعه است و دولت از آن حمایت می‌نماید؛

۲. دولت، ازدواج را مورد تشویق و حمایت قرار داده و می‌کوشد و هرگونه موانع مادی و اجتماعی را که بر سر راه آن قرار گیرد برطرف سازد و از مادران و نوزادان کشور حمایت نموده و شرایط مناسب را جهت رشد استعدادها و کودکان و جوانان فراهم سازد.

اگر بخواهیم با توجه به قوانین بین‌المللی بیان‌شده، به صورت اغراق‌گونه درباره «نقش مادری» مطلبی بگوییم، آن مطلب این است: «زن به وجود آورنده همه چیز است، حتی مرد». جالب اینجاست که زن وقتی به وجود آورنده همه چیز است که نقش مادری را پذیرفته، ولی این نقش در قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها چندان مورد بحث قرار نگرفته است.

شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد بر اساس پیشنهاد «کمیسیون مقام زن» در قطعنامه‌های برگزاری کنفرانس جهانی را در سال ۱۹۹۰ توصیه نمود و سپس در همان سال مجمع عمومی در قطعنامه دیگری از تصمیم کمیسیون مقام زن حمایت کرد و یادآور شد که کنفرانس باید در شهری برگزار شود که تا آن زمان میزبان کنفرانسی نبوده است (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۱، ص ۹۶). این مقدمه‌ای بر نخستین همایش بزرگ درباره «حقوق زنان» به پستوانه غالب کشورهای

جهان بود که به «کنوانسیون پکن» مشهور شد. اکنون به رغم گذشت بیست سال از گرد هم آمدن دولت‌ها و نهادهای مدنی در پکن، پایتخت چین، هنوز نگرانی‌های جامعه جهانی در این اجلاس، در بسیاری حوزه‌ها تا حد فراوانی پابرجاست؛ زنان و فقر، آموزش و مهارت آموزشی زنان، زنان و سلامت، خشونت نسبت به زنان، زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان در قدرت و موقعیت‌های تصمیم‌سازی، ایجاد سازوکارهای نهادی برای پیشرفت زنان، حقوق بشر و زنان، زنان و محیط‌زیست و دختر بچه‌ها، یازده محور نگران‌کننده برنامه عمل پکن بوده و در آن، اقداماتی که دولت‌ها باید انجام دهند و اهداف راهبردی تبیین شده است. این در حالی است که پطروس غالی، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در پایان بیانیه خود در چهارمین کنفرانس درباره زنان در پکن گفت: «بیایید به جهانیان بگوییم و سرافرازانه هم بگوییم که: توانمندسازی زنان همانا توانمندسازی بشریت است» (باقی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵). در مقابل این طرز فکر آرمان‌گرایانه، فمینیست‌ها می‌گویند:

چون ابتدا مردان تحصیل کرده غربی اقدام به تدوین قوانین حقوق بشر کردند و نگرانی عمده‌شان نقض حقوق سیاسی و مدنی در حوزه عمومی بود، لذا توجه به موارد نقض حقوق سیاسی و مدنی و قوانین حقوق بشر گردید و آنها از نقض حقوق بشر در محیط خصوصی خانه هراسی نداشتند؛ زیرا در آن قلمروها آنها رئیس بودند؛ همچنین این مسئله که تبعیض جنسی و خشونت علیه زنان به عنوان بخشی از مفاد اعلامیه حقوق بشر شناخته نشده ناشی از به رسمیت نشناختن ستم علیه زنان به عنوان مسئله‌ای سیاسی است (باقی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

حال پس از ذکر مختصری از مواد و نکات قوانین بین‌المللی، به خوبی می‌توان عدم توجه به مقام مادری را مشاهده کرد؛ آنجا که زنان فقط در صورت تولد فرزند مادر به شمار می‌آیند و حقوق زنان همان حقوق مادران تلقی می‌گردد. به همین دلیل نگارنده معتقد است که کمبودهای مندرج در قوانین بین‌المللی راه به سمت و سوی نقی نقش مادری دارد؛ چراکه سکوت در برابر ظلم تحمیل شده بر مادران؛ خود نوعی ظلم به شمار می‌آید.

## ۱-۲. مادری در حقوق ایران

درباره حقوق مادران در قوانین داخلی کشورمان وضع بهتر از قوانین بین‌المللی نیست. بر مبنای تعاریف عرفی، فرهنگی و بعضاً سنتی، زنان همیشه بخشی از حوزه خصوصی دیگران (مردان)

بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند برای خود حوزه‌ای معجزا داشته باشند. مهم‌تر از آن، زندگی زنانه در فرهنگ ایرانی در دو فضای کاملاً تعریف‌شده و البته محدود امکان داشت: اول خانه پدر و دوم خانه شوهر. با قطعیت می‌توان گفت حالت سومی وجود نداشته است. حضور زنان در خارج از خانه به مواردی چون تحصیلات تکمیلی، کار و البته باز هم مدیریت منزل در غیاب همسر محدود می‌شود و مواردی انگشت‌شمار مدیریت‌های کلان اقتصادی-اجتماعی؛ با این حال نتیجه نهایی پایان تحصیلات تکمیلی را نیز شاهد هستیم که ثمرات سودمند چندانی به همراه نداشته است و زنان مجدداً به خانه بازمی‌گردند. مقوله کار خارج از منزل را نیز در مشاغلی که به‌نوعی دنباله همان کارهای خانگی هستند مانند آموزش، خدمات بهداشتی و مراقبتی می‌بینیم. بنابراین زنان را به دلیل مدیریت مردانه‌ای که در جامعه حاکم است، به رغم وجود «حقوق شهروندی» در همان محیط اندرونی می‌بینیم و البته با تغییرات کوچکی چون آزادی ورود و خروج و بعضاً حضور کنترل‌شده در محیط‌های عمومی از جمله محیط‌های ورزشی.

برای قضاوت هر چه بهتر، موادی از قوانین موجود کشورمان را که (ظاهراً) درباره حقوق مادران هستند، ذکر می‌کنیم. در قانون اساسی کشورمان به عنوان راهنمای مسیر اداره کشور، چند اصل کلی درباره زنان و مادران وجود دارد. برای مثال در بند سوم اصل ۱۴ آمده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»؛ و پس از آن در اصل بیستم گفته شده: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

پس از این دو اصل درباره زنان، دولت موظف می‌شود حقوق زنان و به‌ویژه مادران را به نحوی که بیان می‌شود فراهم آورد:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ ۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛ ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛ ۵. اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

این اصل حرکت به جلوی بسیار خوبی از طرف مقنن جمهوری اسلامی ایران است که در

مقابل اسناد بین‌المللی حال حاضر نیز ادعای روزآمدی دارد؛<sup>۱</sup> اما در قوانین خاص هم از حقوق مادران مختصراً بحث شده است. ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی<sup>۲</sup> بدین شرح است: «طفل را نمی‌توان از ابویین و یا پدر و یا مادری که حضانت با اوست گرفت، مگر در صورت وجود علت قانونی». همچنین ماده بعدی این قانون چنین است: «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد».<sup>۳</sup> در قانون حمایت خانواده<sup>۴</sup> نیز ذیل ماده ششم درباره حضانت کودک آمده است: «مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضا ضرورت بر عهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتدا ادعای ضرورت را بررسی کند». همچنین در ماده ۴۳ همین قانون می‌خوانیم: «حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده با مادر آنهاست، مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد». از سوی دیگر قانون کار<sup>۵</sup> نیز توجه مناسبی به زنان و مادران کارگر نشان داده است. برای مثال در ماده ۳۸ این قانون آمده است: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است». همچنین ماده ۷۵ بدین شرح است: «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است». از سوی دیگر در ماده ۷۸ به حقوق مادران توجه شده است: «در کارگاه‌هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم‌ساعت فرصت شیر دادن بدهد».

در «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»<sup>۶</sup> چندین بند به حقوق و مسئولیت مادران اختصاص داده شده است:

۱. همچنین درباره نوآوری‌های موجود در قوانین، ر.ک: «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱.
۲. مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ با اصلاحات بعدی.
۳. ر.ک: قانون «ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» مصوب ۱۳۷۴.
۴. مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱.
۵. مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶. مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخه ۱۳۸۳/۶/۳۱.

بند ۳۸. حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و ازکارافتادگی؛

بند ۴۶. مسئولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسئولیت والدین نسبت به ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان؛

بند ۵۹. حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی و وظیفه مراقبت از کودک و تغذیه مناسب او، با اولویت استفاده از شیر مادر؛

بند ۱۰۷. حق برخورداری از تسهیلات و ضوابط و قوانین متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی (همسری - مادری) زنان در جذب، به‌کارگیری، ارتقا و بازنشستگی آنان در زمان اشتغال؛

بند ۱۲۹. حق و مسئولیت مادران در نگهداری، تربیت و اولویت در قیمومت فرزندان در صورت شهادت، اسارت و مفقودالاثر شدن همسر.

در واپسین متن حقوقی مهم درباره حقوق مادران می‌توان به «منشور حقوق شهروندی»<sup>۱</sup> اشاره کرد که در ماده سوم آن آمده است: «حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند». این موارد موادی بودند که در قوانین داخلی یافت شدند، ولی حق مطلب ادا نشده است؛ چراکه نویسنده معتقد است باید قانونی تحت عنوان «حقوق و تکالیف مادری» تهیه و تنظیم شود و چنین نکته‌گویی‌هایی در قوانین خاص به جایی نمی‌رسد. در ادامه به ذکر تأثیرات نبود چنین قوانینی در عین حضور گسترده فمینیست‌های افراطی می‌پردازیم.

ناامیدی «نهاد مادری» از وضع موجود داخلی و بین‌المللی - که در حال حاضر در کشورمان نیز رشد دوچندان یافته است و بعضاً پرونده‌های جنایی از سوی مادران دیده می‌شود - ناشی از اضطراب‌هایی است که ثمره نبود حمایت جامعه از تغییر نقش‌های آن می‌باشد. زنان وارد نقش‌های تازه‌ای شده‌اند و استقلال بیشتری کسب کرده‌اند؛ ولی چون جامعه اکراه دارد که همراه با آنها تغییر کند، مانع از موفقیت آنان می‌شود. زنان در نقش‌های شغلی جدید حق انتخاب کمی برای مراقبت از فرزندان دارند. شوهر مایل نیست در فرزندپروری و مسئولیت‌های خانه‌داری با آنان هم‌شان باشد و کارفرمایان معدودی تمایل دارند نوبت‌های کاری انعطاف‌پذیری برای آنان قائل

۱. رونمایی شده در ۲۹ آذرماه ۱۳۹۵.

شوند. فشار و تلاش برای برقرار کردن توازن بین کار و خانه‌داری سبب شده است که زنان بسیاری گرفتار «اضافه‌بار نقش» و «فشار نقش» شوند. «فشار نقش» عبارت است از فشارهای متضاد نقش‌های متفاوت و تعارض نقش یعنی برخورد نقش‌ها با هم؛ مثل زمانی که عناصر موجود در مادر خوب بودن با عناصر دانشجوی خوب بودن در تعارض قرار می‌گیرند. فشارهای نقش اجازه نمی‌دهند که فرد وظایف نقش‌های دیگر را انجام دهد. بسیاری از زنان، به سبب سپردن فرزندانشان به مهدکودک، احساس می‌کنند که باید بین مادر خوب بودن و داشتن شغلی بامعنا و هدفمند یکی را برگزینند (پروچسکا، ۱۳۸۹، ص ۵۰۸) و در حال حاضر طبق مطالب بیان‌شده، می‌توان با شرمساری بیان کرد که آمارهای حال حاضر مادرانی را نشان می‌دهند که یا اصلاً از نقش مادری خود راضی نیستند، یا این امر برایشان اجباری است و اختیاری در آن ندارند و یا ممکن است برای فرزندانشان هر کاری انجام دهند و حتی دوازده ساعت در روز کار کنند.

در این حالت است که فمینیست‌ها یادآور می‌شوند که باید بین قابلیت طبیعی بچه‌دار شدن و نقش طبیعی اجتماعی مادر تمایز قائل شد. مادر شدن نه تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع است، بلکه از نظر تاریخی نیز مفهومی خاص دارد؛ به این معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زنان پنداشته شده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲).

## ۲. مادری و فمینیسم

پس از تمام تلاش‌هایی که مدافعان حقوق زنان انجام دادند و تلاششان به تصویب قوانین بین‌المللی مذکور انجامید، اکنون که دیگر دوران برخورداری از حقوق قانونی‌شان فرارسیده است، گروهی از فمینیست‌های افراطی در نقطه مقابل جریان مدافع حقوق زنان قرار گرفته‌اند و خواهان افزایش دامنه حقوق زنان تا حد برابری با مردان از هر نظر و حتی قرارگیری در موقعیتی بهتر از مردان هستند؛ لذا بر اساس اصل موردنظرشان که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، می‌توان برای رسیدن به آزادی مطلق زنان، همسررداری را مانعی برای آزادی، بارداری را مانعی برای سلامتی و مادری را سدی در مقابل احساسات آزادگونه به شمار آورد. این تبلیغات به گونه‌ای است که امروزه بر اثر تأکید جنبش فمینیسم بر آزادی جنسی، مادران مجرد عارضه‌ای فرهنگی به شمار می‌آیند. فمینیست‌های اولیه به تفاوت‌های زن و مرد احترام می‌گذاشتند. از نظر آنان زنان به مقتضای تفاوت‌های طبیعی، وظایف خاصی دارند و دولت موظف به حمایت از «وظیفه مادری» است (دوماس، ۱۹۲۲، ص ۴۱)؛ اما فمینیست‌های افراطی نقش زنان و مادران را به دلیل محدود شدن تا حد بچه‌داری و خانه‌داری،

همیشه مورد انتقاد قرار داده و با مخالفت‌های خود خواستار لغو چنین رویه‌هایی شده‌اند. این اشخاص معتقدند «جنین، بافت انسانی ناخواسته است. [آنان] ارزش تولد نوزاد و مادری را مورد تحقیر قرار داده و کودکان را مانعی جهت کسب اهداف برابر با مردان تلقی می‌کنند» (پاسنو، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰).

فایرستون نیز که یکی از نظریه‌پردازان جنبش فمینیسم است، درباره به‌کارگیری تکنولوژی در جهت الغای مادری ایده‌ای را برای حفظ داشته‌های زنان مطرح کرد که دیگر فمینیست‌ها با بر حذر داشتن زنان از تبعات این امر، هشدار دادند: «در این صورت، از یک سو زنان بدون اینکه چیزی به دست آورند، تنها قابلیت‌هایی را که از آن برخوردار و مردان از آن محروم‌اند و از سوی دیگر وجود کودکان خود به عنوان سرمایه‌هایی برای مادران را از دست می‌دهند» (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۹۳)؛ این در حالی است که در دنیای امروز که زنا جای‌گزین ازدواج‌های مرسوم و قانونی شده و دیگر رغبت به ازدواج کاهش یافته، زنان زحمت بارداری و پرورش فرزند را نخواهند کشید که همه اینها انحراف از فطرت است (طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۵۰۷). رویه تا آنجا پیش رفته که نتایج نامناسب این رفتارها در مواردی چون سقط جنین، پدران فراری، مادران تنها، بیماری‌های مقاربتی تأثیرات خود را گذاشته و در نتیجه نقش حمایتی و ریشه‌ای مادری را بدون انجام تکالیفشان از بین برده و موجب کم رنگ شدن حقوق مادران شده است.

نقطه مقابل ضدیت با نقش مادری در فمینیست‌ها نیز در نظر سارا رادیک<sup>۱</sup> مشاهده می‌شود. وی در مقاله «اندیشه مادرانه»<sup>۲</sup> قابلیت‌ها و موفقیت‌هایی را توصیف می‌کند که زنان در مادری به نمایش می‌گذارند. او معتقد است: زنان از طریق بچه‌داری فضایی چون صلح‌طلبی، زمینه‌سازی برای رشد دیگران، عشق‌ورزی، همدلی، سازگاری، سهل‌گیری و احترام گزاردن به دیگران را می‌آموزند که این فضایل، بدیلی اخلاقی در برابر پرخاشگری و تهاجم مردانه ایجاد می‌کند. به نظر رادیک مهارت‌های مادری، نوعی الگوی عملی اخلاقی برای همگان در همه عرصه‌ها خصوصاً سیاست ایجاد می‌کند (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱). با این حال گزارش‌های جامعه‌شناسان حاکی از آن است که نظام خانواده در غرب، دستخوش چالش و بحران شده است. یکی از علائم و شاخصه‌هایی که در آمارهای جامعه‌شناسان، از وجود چنین بحرانی در نظام خانواده حکایت می‌کند «به چالش کشیدن مفهوم مادری» است (همان، ص ۲۴۴).

1. sara raddick
2. maternal thinking

### ۳. حقوق مادران در قرآن کریم

در دنیایی که علوم هر لحظه در نوسان اطلاعات جدید قرار دارند و حقوق زنان پیوسته در حال تغییر و تحول است، جهان اسلام در چندین قرن قبل «حقوق والدین بر فرزندان» را در کتاب مقدس خود یعنی قرآن بیان کرده است. قطعاً توجه به آیات چندی از قرآن، بر قوام متن می‌افزاید و موجب ایجاد مقدماتی برای بیان نتیجه تحقیق می‌شود.

۱. مهم‌ترین و نخستین آیتی که می‌توان بدانها اشاره کرد، در خصوص رفتار صحیح، مؤدبانه، خاضعانه و البته مشفقانه در قبال والدین است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ (اسراء: ۲۳ و ۲۴)؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو! و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!».

در خصوص این آیات چندین نکته قابل توجه است:

۱. خدمتگزاری و احسان به پدر و مادر، از اوصاف موحد واقعی است: «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛
۲. فرمان نیکی به والدین مانند فرمان توحید، قطعی و نسخ‌نشده است: «قَضَىٰ»؛
۳. احسان به والدین در کنار توحید و اطاعت از خداوند آمده است تا نشان دهد این کار، هم واجب عقلی و وظیفه انسانی است، هم واجب شرعی: «قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛
۴. در احسان به والدین، مسلمان بودن آنها شرط نیست: «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛
۵. در احسان به پدر و مادر، فرقی میان آن دو نیست: «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛
۶. سفارش قرآن به احسان، متوجه فرزندان است، نه والدین: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ زیرا والدین نیازی به سفارش ندارند و به طور طبیعی به فرزندان خود احسان می‌کنند؛
۷. فرزند باید نسبت به پدر مادر، هم متواضع باشد، هم برایشان از خداوند رحمت



بخواهد: «وَ اخْفِضْ ... وَقُلْ رَبِّ اِزْحَمْهُمَا»؛

۸. گذشته خود، تلخی‌ها و مشکلات دوران کودکی و خردسالی را که بر والدین تحمیل شده است از یاد نبرید: «کَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (قرآنی، ۱۳۸۳، ص ۴۰-۴۲).

این موارد تنها بخشی از نکات مندرج در این دو آیه مهم در خصوص حقوق والدین بود که به راحتی می‌توان حقوق نقش مادری را از آنها برداشت کرد؛

۲. در آیاتی نیز احترام به والدین نیز پس از مقوله توحید و یگانگی خداوند بیان شده است؛ مثلاً در آیه ۸۳ سوره بقره می‌خوانیم: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾؛ «و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید». در آیه ۳۶ سوره نساء نیز پس از اشاره یگانگی و بی‌همتایی خداوند، احترام به حقوق والدین یادآوری شده است: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾؛ «و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید». همچنین در آیه ۱۵ سوره لقمان آمده که تنها در صورت امر توسط والدین به شرک، می‌توان از آنها نافرمانی کرد: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾؛ «و هرگاه آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن»؛

۳. قنوت که احساسی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه بنده با خالقش است و به گفته فقها به هر زبانی می‌توان از خداوند طلب بخشش و بیان خواسته‌ها را داشت، متون پیشنهادی پر معنایی از قرآن دارد؛ از جمله این موارد، متن کامل آیه ۲۸ سوره نوح است: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي﴾؛ «پروردگارا مرا و پدر و مادرم را... ببخشای». همچنین آیه ۴۱ سوره ابراهیم: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾؛ «پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرزا!».

این چند آیه تنها آیاتی بودند که مستقیماً به والدین و اهمیت ایشان اشاره دارند و از این آیات می‌توان نقش مهم مادران و اهمیتی را که قرآن برای این نقش قائل است برداشت کرد؛ به‌ویژه آنکه خداوند احترام به چنین نقشی را مکرراً بعد از توحید بیان می‌کند.

## نتیجه‌گیری

«خدایا! بر من منت گذار و فرزندانم را بر من ببخش و ایشان را از نعمت صلاح و صواب محروم مساز و مرا از صلاح عقیده و حُسن تربیتشان بهره‌مند فرما؛ پروردگارا! فرزندان مرا به زیور تقوی و بصیرت بیارای تا نیکو ببینند و نیکو بشنوند و در برابر فرمان تو مطیع باشند» (دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه).

الگوی خاص مادری، نیازمند دفاع و مراقبت می‌باشد و نگارنده معتقد است که این مراقبت اول از همه باید از سمت و سوی قانون، قانون‌گذاران و مجریان قانون باشد؛ زیرا تا وقتی یک زن احساس امنیت و احساس رفع نیازها و احقاق حقوق خودش را نکند، قطعاً وظایف خویش را به خوبی انجام نمی‌دهد و پس از رفع موانع یادشده است که وظایف مادری به خوبی اجرا می‌شوند. برخی نظریه‌پردازان حقوق زنان (از جمله ویرجینیا هلد، کاولین وایت‌بک و سارا رایک) ارتباط مادر-فرزند را الگویی امیدبخش برای هر گونه روابط از جمله روابط اجتماعی می‌دانند. از طرفی آندره میشل معتقد بود مادری، خانه‌داری و همسری نقش‌هایی‌اند که زنان در حوزه خانوادگی بر دوش می‌گیرند. گاهی بر این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی هم افزوده می‌شود. انجام دادن همه این کارها با هم بسیار دشوار و نیازمند صرف انرژی فراوان و مدیریت شایسته است (الهی دوست، ۱۳۹۲، ص ۱۰). بنابراین عدم صرف انرژی از طرف مادران را می‌توان در افزایش آمار قتل، اخراج از محیط‌های علمی، خودکشی‌ها و... به خوبی احساس کرد. پس به عنوان جمع‌بندی موضوعات تبیین‌شده، برای رفع هرچه بهتر معضلات کم‌توجهی به مقام مادری، بهتر است در جنبه‌های بین‌المللی با توجه به تصویب معاهدات بین‌المللی و در جنبه‌های داخلی با عنایت به تغییر قوانین موجود و استفاده هر چه بیشتر از توصیه‌های قرآنی، به بازنگری در متون موجود پردازیم تا به اهداف مد نظر و متعالی خویش نائل آییم.

در پایان به دلیل اهمیت موضوع تنها به بخش داخلی می‌پردازیم و مواردی را متذکر می‌شویم:

۱. فرهنگ‌سازی میان خانواده‌ها برای پررنگ کردن نقش مادری در کنار ایفای نقش‌های دیگر؛ که با توجه به ضمن توجه به محتوای آیات قرآن و روایات متعدد درباره ارج نهادن به مقام مادری، می‌توان تمام این موارد را با تبیینی ساده و ابتدایی به عنوان منبع الهام‌گیری فرهنگ‌سازی استفاده کرد؛

۲. حفظ اصالت نهاد خانواده، با محوریت نقش مؤثر مادران؛

۳. تدوین قوانین جامع و کامل پیرامون «حقوق و تکالیف مادران»، با ضمانت اجرای دقیق

مندرج در قوانین، که می‌توان از مواد و اصول مندرج در قوانین اساسی کشورهای مختلف بهره‌برداری کرد؛

۴. تشویق مادران برای هر چه بهتر انجام دادن وظایفشان در محیط خانواده، با عنایت به دستوره‌های دین مبین اسلام.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. آبوت، پاملا، و والاس، کالر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی.
۴. اسعدی، سیدحسن (۱۳۹۱) حقوق زن پژوهشی تطبیقی درباره حقوق زن. تهران: میزان.
۵. الهی دوست، سعیده و همکاران (۱۳۹۲). زنان، مادری و شیر دهی، پژوهشنامه زنان. ۱: ۷.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت. تهران: انتشارات اسلامی.
۷. بروچسکا، ج. و نورکراس، ج. (۱۳۸۹). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: رشد.
۸. باقی، عمادالدین (۱۳۹۳). از پیش‌تازان حقوق بشر در ایرانی، ماهنامه مهرنامه. ۳۹: ۴۱-۴۴.
۹. باقی، مریم (۱۳۹۴). جهان در سالی که گذشت، ماهنامه مهرنامه. ۴۰: ص ۳۱.
۱۰. پاسنو، دایانا (۱۳۸۴) فمینیسم، راه بایی راهه؟! ترجمه محمد رضا مجیدی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
۱۱. حسینی، سیدعباس (۱۳۸۹). حقوق زن در ایران و اسناد بین‌المللی. تهران: گنج دانش.
۱۲. حمیدی، فریده و همکاران (۱۳۸۲). حقوق زنان، حقوق بشر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۳. ریویور، کلود (۱۳۷۹) درآمدی بر انسان‌شناسی. ترجمه: ناصر فکوهی. تهران: نی.
۱۴. سیاح، مونس، حسینی مجرد، اکرم (۱۳۹۰). بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. ۵۳.
۱۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). زن در قرآن. مصحح: محمد مرادی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه سیدمحمدحسین طباطبائی.
۱۶. قرآنتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. جلد ۵. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. لوین، لیا (۱۳۷۷). پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر. ترجمه محمدجعفر پاینده. تهران: قطره.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۱۹. مهرپور، حسین (۱۳۸۳). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: اطلاعات.
۲۰. میشل، آندره (۱۳۷۲). جنبش اجتماعی زنان. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: نیکا.
۲۱. نای، بن سعدون (۱۳۷۸). حقوق زن از آغاز تا امروز. ترجمه گیتی خورسند، تهران: کویر.

۲۲. یزدی، اقدس (۱۳۸۸). اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، ۱۰(۳).

23. Dumas, Jeans (1992). *Marriage and Conjugal in Canada*. B, Ottawa, statistics Canada, p153.

